

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارشها	Reports
---------	---------

Kavita Krishnan

برگردان از : پریسا یگانه، آوا بیات

۰۸ جنوری ۲۰۱۳

هند؛ دفاع بی هراس از حق آزادی زنان!

گزارشی از خشونت‌های جنسی علیه زنان در هند

میان وحشت غیرقابل بیان از تجاوز و اقدام به قتل در دهلی بارقه‌ای از امید روشن شد؛ بارقه‌ای که آن را پروراندیم و با دست‌های خود مراقبت نمودیم تا مبادا خاموش شود، مدرسانش بودیم تا جرقه‌ها به آتشی استوار بدل شود و به تمام جنگل سرایت کند.

زن جوان ۲۳ ساله‌ای که دانشجوی فیزیوتراپی بود با دوست‌مرد خودشوار اتوبوسی در دهلی شد. آن‌ها با گروهی از مردان تنها بودند. مردان شروع به متلک‌پراکنی به زن کردند که چرا تا این وقت شب با یک مرد بیرون است. او و دوستش توجهی به این متلک‌ها نکردند. سرانجام مردان تصمیم گرفتند «به او یک درس حسابی بدهند». آن‌ها بی‌رحمانه مرد را مورد ضرب و شتم قرار دادند و همه با هم به زن تجاوز کرده و وحشیانه به او حمله‌ور شدند و روده‌هایش را از هم دریندند.

بارقه‌های امید با تعداد بسیار زیاد مردمی که پس از آن برای اعتراض بیرون آمدند برافروخته شد. دیدن خشم خودجوش و قاطعیت برای آوردن متجاوزان پای میز محاکمه زیبا بود. اما زیاتر از آن، معطوف داشتن این عصبانیت به جامعه و فرهنگی است که این تجاوز را توجیه می‌کرد. اراده مردم (در بین زنان و مردان معمولی) برای رسیدگی به ریشه‌های خشونت جنسی و خاتمه دادن به آن، چیزی است که الهام‌بخش امید و اطمینان بیش‌تری نسبت به لفاظی نمایندگان در مجلس است.

به مصاف طلبیدن فرهنگ تجاوز

زنی که فلم تظاهرات معترضان را مشاهده کرده بود، به من نوشت که دیدن این اعتراضات وی را به هیجان آورده است. دختر جوانی به من نوشت: «بسیار پریشان بودم، چرا که والدینم از تجاوز گروهی دهلی به عنوان مثالی استفاده می‌کنند که وقتی ول‌گردی کنی بر سرت می‌آید. اما اکنون با این اعتراضها، دیگر نمی‌توانند چیزی بگویند. دیدن اعتراضهای شما به من امید و احساس همبستگی زیادی می‌دهد».

در واقع خشونت جنسی روش تحمیل اصول مردسالاری به زنان است. زنانی که برخی اصول را به مبارزه می‌طلبند، به‌دلیل جسارت شان با تجاوز تنبیه می‌شوند. ترس از تجاوز و خشونت جنسی به‌عنوان مولفه ثابت درونی در تصمیم‌های زنان عمل می‌کند و «حفاظت» در مقابل خشونت جنسی اکثراً به صورت اعمال محدودیت‌هایی بر زنان

انجام می‌شود. محدودیت‌هایی از قبیل: خاموشی در ساعات معین شب در خوابگاه‌ها (که بسیار متداول است)، پیروی از مقررات پوشش، ممنوعیت صحبت کردن با گوشي همراه [1]، محدودیت رفت و آمد و ارتباط با دوستان (به ویژه با دوستان مرد)، بی‌میلی به پذیرش در دانشگاه‌های دور از خانه و غیره. خشونت جنسی و اقدام‌هایی که در مقابله با آن به‌طور معمول صورت می‌گیرد، سبب می‌شود زنان در هوای مردسالارانه مشابهی تنفس کنند؛ از این رو جای تعجب نیست اگر ترجیح دهند خاموش بمانند.

چند سال پیش هنگامی که «سومیا ویسواناتان» با اصابت گلوله به قتل رسید، وزیر دهلی گفت که «سومیا» با بیرون رفتن در ساعت ۳ صبح، خطر کرده است. آخرین رئیس پولیس دهلی در کنفرانس مطبوعاتی گفته بود: «زنانی که ساعت ۲ صبح بیرون می‌روند، نباید از عدم امنیت شکایت کنند. باید با برادر یا راننده خود بیرون بروید». البته این اظهارات با شعارهای معترضان پاسخ گرفت. شعارهایی که اشاره به زنانی داشت که تا دیروقت کار می‌کردند و چاره‌ای جز بیرون رفتن در آخر شب نداشتند. در مورد اخیر، رهبر حزب «بهاراتیا جانتا» (BJP) در مجلس بیان کرد که قربانی مرتکب «بی احتیاطی» نشده، او تا دیروقت بیرون نبوده است. یک کانال بین‌المللی انگلیسی در بیانیه خود این جملات را برجسته کرده بود: «او تحریک کننده لباس پوشیده بود... او تا دیروقت بیرون نبود... او تنها نبود».

ایده‌ها یکی است: زنان نباید بدون دلیلی موجه در شب بیرون باشند، زنان باید به‌گونه ای لباس بپوشند که تحریک‌انگیز نباشد. این قابل پذیرش‌تر است که انتظار داشته باشیم زنان رفت‌وآمد و پوشش‌شان را با توجه به امنیت‌شان تنظیم کنند و آن‌هایی که با خشونت مواجه شدند را در محکمه بگذاریم و از آن‌ها بخواهیم از خود دفاع کنند. به عبارت دیگر تفکری که عموماً پذیرفته شده این است، که زنان باید خود را از اتهام «تحریک» مردان به تجاوز تبرئه کنند. اما در اعتراضات اخیر، دیدن و شنیدن زنانی که فرهنگ تجاوز (فرهنگی که تجاوز را توجیه کرده و زنان را برای تحریک یا دعوت از متجاوز سرزنش می‌کند) را به نبرد فر می‌خوانند و با آن مبارزه می‌کنند، بسیار خوشایند است. بر پلاکاردی نوشته شده بود: «به من چگونه لباس پوشیدن را یاد ندهید، به پسران خود بیاموزید تجاوز نکنند». پلاکارد دیگر اعلام می‌کرد: «روح من بالاتر از دامنم و صدایم بلندتر از لباسم است». بر روی پلاکارد دست نوشته‌ای که توسط دانش‌جویی (احتمالاً بار اول بود که در اعتراضات شرکت می‌کرد) حمل می‌شد نوشته بود: «شما به او تجاوز کردید زیرا پوشش‌اش شما را تحریک کرد؟ من هم باید صورت شما را خرد کنم، چون حماقت شما برای من تحریک‌کننده است».

هنگامی که به زنان «حفاظت»، در اصطلاح مردسالارانه آن پیشنهاد می‌شود (اصطلاحی که شامل محدودیت‌ها و مقرراتی برای زنان می‌شود)، زمان آن است که بگوئیم «سپاس‌گذاریم، اما نه. ممنون! ما به حفاظت‌های مردسالارانه نیاز نداریم». به جای آن باید خواستار این باشیم که دولت، پولیس، دستگاه قضائی و دیگر نهادها در دفاع از حق نامحدود زنان برای بی‌پروا بودن، پوشش، رفت‌وآمد و رفتار آزادانه در هر ساعت شبانه‌روز با دلیل یا بدون دلیل، بدون ترس از خشونت جنسی، به‌پا خیزند. پس از همه این‌ها، داشتن امنیت و آزادی برای بی‌پروائی در مکان‌های عمومی به مردان اعطا می‌شود؛ که در فرهنگ عامه مردم، بی‌نهایت ارزشمند است.



«حمایت» مردسالارانه و «ناموس»

به تبلیغات کمپین اخیری که توسط پولیس دهلی علیه خشونت جنسی تشکیل شد نگاه کنید، با چهره هائی محاصره می‌شوید که حتا یک زن نیز در آن نیست. در عوض، فرهان اختر بازیگر و کارگردان می‌گوید: «دهلی را برای زنان امن‌تر کنید. آیا آن‌قدر مرد هستی که به من ملحق شوی؟». تبلیغ دیگر پولیس دهلی که برای سال‌ها استفاده می‌شد، عکس زنی است که از آزار گروهی از مردان در ایستگاه اتوبوس به ستوه آمده و مردان و زنان دیگر به سادگی به او می‌نگرند. این پوستر علناً اظهار می‌دارد: «هیچ مردی در این تصویر وجود ندارد... وگرنه این اتفاق نمی‌افتاد» و استدلال می‌کند که «مرد واقعی» «او را از شرمساری و صدمه دیدن نجات می‌داد». این پوستر می‌گوید کسانی که آزاردهندگان جنسی‌اند «مرد واقعی» نیستند. زنی که آزار می‌بیند، احساس «شرمساری» (به جای خشم) می‌کند؛ و فقط یک «مرد واقعی» می‌تواند از زنان محافظت کند. هیچ تلاشی برای بیان یا تبلیغ ایده آزادی زنان و حقوق‌شان توسط دستگاه‌های دولتی صورت نگرفته است.

مشکل این است که «مردانگی» به عنوان راه حل تجویز می‌شود درحالی‌که خود ریشه مسأله خشونت علیه زنان است! تجاوز تنها شکل خشونت علیه زنان نیست. اخیراً سلسله حوادثی رخ داده (در نقاط مختلف کشور) که پدر یا برادر، سر زنی را برای اعمال زناکارانه یا ازدواج خارج از کاست می‌پزد. یک مرد از شهر دارماپوری در ایالت تامیل نادو،

هنگامی که دخترش با یک دالیت ازدواج کرد، خودکشی نمود. این واقعه جرقه چندین عمل خشونت‌آمیز را علیه همه افراد قوم دالیت برافروخت. مردان تشویق می‌شوند تا از «ناموس» زنان برای اجتناب از «شرمساری» دفاع نمایند. هنگامی که روابط مادر یا خواهر خود را نیز کنترل می‌کنند (حتا قتل او در صورت اعتراض) آیا آن‌ها ادعا نمی‌کنند که در دفاع از «ناموس» مرتکب جرم شده‌اند؟

بنابراین تجاوز، «شرافت» زن را می‌رباید. «راج پوت» از ملکه‌های پیشین، گفت ترجیح می‌دهد خود و دیگر زنان را زنده زنده بسوزانند تا مورد تجاوز ارتش فاتح قرار نگیرند. یک عامل در تعداد زیاد خودکشی زنان پس از تجاوز، بدون شک این واقعیت است که آن‌ها با خود گفته‌اند زندگی‌شان «ویران» شده و دیگر ارزش زیستن ندارد. «سوشما شوارج»، رهبر BJP در سخنانش در پارلمان بیان کرد که حتا اگر قربانی تجاوز دهلی نجات یابد، در ادامه زندگی‌اش یک «جسد زنده» می‌ماند.

در واکنش به این سخنان، دختر دانش‌جوئی از دانشگاه جواهر لعل که در یک شب‌زنده‌داری در صفدرجونگ شرکت کرده بود گفت: «ما به این‌جا آمده‌ایم تا بازماندگان تجاوز بدانند ما با آن‌ها هستیم. سخنان «سوشما شوارج» مبنی بر این‌که زنی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد «جسد زنده» است ما را به خشم آورد. ما اینجا هستیم تا بگوئیم امیدواریم زندگی‌اش را با سری برافراشته تا انتها ادامه دهد و این متجاوزین هستند که باید رنج ببرند و شرمگین باشند نه نجات یافتگان!».

به تجاوز در زندان‌ها، تجاوز گروهی و کاستی پایان دهید

غضب و خشم نسبت به تجاوز و تلاش برای قتل زن جوان در دهلی شایان توجه است. خشم، همبستگی و مبارزه برای عدالت باید شامل قربانی‌های تجاوز در زندان، تجاوز گروهی و کاستی نیز شود.

- در سال ۲۰۰۴، «تنجام مانوراما چانو» از ایالت مانپور توسط کارمند Assam Rifles [۲] مورد تجاوز قرار گرفت و (با گلوله‌ای در آلت تناسلی‌اش) به قتل رسید. مقصران این حادثه مخوف و نیز قاتل مجازات نشدند. در واقع دولت هند از مجرمان حمایت کرد و ادعا کرد که کارمندان ارتش تحت قوانین نیروی ویژه نظامی هستند و نمی‌توانند در دادگاه جنائی محاکمه شوند!

- در سال ۲۰۰۹ دو زن جوان به نام نیلوفر و آسیه (بعد از مدرسه) توسط کارمندان ارتش در شوبیان (کشمیر) مورد تجاوز قرار گرفتند. همه تشکیلات دولت در لاپوشانی این قضیه درگیر شد و مقصران آزاد شدند.

- اخیراً معلم جوان آدیواسی (بومی) به نام سونی سوری توسط افسران پولیس چتیسگر مورد تجاوز قرار گرفت. در آلت تناسلی این زن سنگ گذاشته بودند. اما انکیت گارگ رئیس پولیس استان چتیسگر به جای این‌که دستگیر و مجازات شود، جایزه دلآوری ریاست جمهوری در روز جمهوری را دریافت کرد. سونی سوری نیز همچنان در زندان برهنه شده و مورد اهانت و شکنجه قرار گرفت و توسط متجاوزین خود در حبس ماند.

- زنان بی‌شماری از قوم دالیت در سراسر کشور توسط مردان کاست‌های بالائی مورد تجاوز قرار می‌گیرند. BJP و Rashtriya Swayamsevak Sangh (جناح راست و سازمان‌یافته شوینیست هندو) در نسل‌کشی ۲۰۰۲ گجرات، زنان مسلمان را مورد تجاوز گروهی قرار می‌دادند.

اونیفورم ارتش، پولیس و استیلی کاست یا قوم نمی‌تواند مجوز تجاوز و قتل باشد. اگرچه تجاوز دهلی، مردم را نسبت به جرم خشونت جنسی هوشیار کرد، ما باید اطمینان حاصل کنیم که صدای مانواما، نیلوفر، آسیه، سونی، پریانکا بوتمنگ (خیرلانجی) و بلقیس بانو (گوجرات) - و دیگر بومیان - برای عدالت‌خواهی شنیده شود.

پولیس دهلی و شیدا دکسیت شهردار دهلی که با خشم مردم محاصره شدند با روشِ آشنای طرح ریزیِ «دشمن خارجی»، کارگرانِ مهاجر را عمده کردند! و برخی تلاش می‌کنند خشم موجود علیه خشونتِ جنسی را به نفرتِ طبقاتی از مهاجران فقیر تبدیل کنند.

دکسیت در مصاحبه تلویزیونی گفت، ماهیتِ دهلی با هجوم مهاجران تغییر کرده است؛ مهاجرانی که «حمله می‌کنند و می‌گریزند» و این امر مبارزه با جنایتهایی که علیه زنان رخ می‌دهد را دشوار می‌کند. روزنامه تایمز هندوستان در ۲۰ دسمبر داستانی درباره «مهاجرانی» که شبانه در دهلی «مشغول پرسه زدن» بودند چاپ کرد. به نقل از «افسر ارشد پولیس دهلی»، مهاجران مستعد ارتکابِ جرم یا تجاوز هستند زیرا این گروه سال‌ها از خانواده‌هایشان دور مانده‌اند. زندگی شهرهای بزرگ برای آن‌ها جذاب است اما ابزار کمی برای رسیدن به آن دارند.

همان‌روز، یک مقاله در مقابلِ سرمقاله روزنامه تایمز هندوستان توسط «توهین.آ.سینها» به چاپ رسید که بیان می‌کرد «تعداد زیادی از مردان دور از همسر خود زندگی می‌کنند تا هزینه زندگی خود را در بیاورند. این شکافی است که تمایل به ارتکاب جنایات جنسی را نشان می‌دهد. این امر در شرایط کنونی بررسی قانونی کردنِ فحشاء را معنا می‌بخشد.»

این مقاله چه می‌گوید؟ آیا زنان مهاجر یا همسران مردان مهاجر که از شوهران خود دور هستند دنبال تجاوز به مردم هستند؟! آیا تلقینِ این‌که تجاوز به دلیلِ گرسنگی جنسی مردان است، یک توجیهِ شرم‌آور نیست؟ اگر ما بگوئیم که متجاوزان وقتی که نتوانند به همسرشان یا یک کارگر جنسی دسترسی داشته باشند اقدام به تجاوز می‌کنند، معنایش این است که همسر یا یک کارگر جنسی معمولاً این خشونت را دریافت می‌کنند؟ آیا تجاوز با عرضه ثابتِ سکس یا دسترسی به زن به عنوان یک کالا برای مردان از بین می‌رود؟ یا ما نیاز داریم تجاوز را یک رفتارِ خشونت‌آمیز مردسالارانه بدانیم، از شخصیتِ زنان دفاع کنیم و مفهوم زن به عنوان «عرضه‌کنندگان» خدمات جنسی و خانگی را به مصاف طلبیم؟

تفکرات اشتباه

روزنامه تایمز هندوستان، کمپینی برای فراخواندن به اختگیِ کیمیایی (chemical castration) و مانند آن به‌راه انداخت. اگر تایمز عملِ تجاوز را با کمبودهای جنسی مردان توجیه نمی‌کرد، کمپین علیه خشونت جنسی می‌توانست مفیدتر باشد. فراخوان‌ها برای اختگیِ کیمیایی و مانند آن، بر اساسِ تفکر غلطی است که ریشه تجاوز را در میل جنسی می‌داند. در حقیقت، تجاوز از نفرت به زنان برانگیخته می‌شود نه میل به زنان. قاتلان و تجاوزکنندگان زنجیره‌ای بدنام در بریتانیا مانند «رابرت نیر» و «جک درپیر»، مظنون به ناتوانی جنسی بودند. از بین هر ۱۰۰ متجاوز، تنها ۲۶ نفر مجازات شدند. شرم‌آور است!

بخشودگی مجازات باید پایان یابد. تمام تجاوزکنندگان باید مجازات شوند.

مسلمانان خشونت جنسی از حسِ بخشیده شدن لذت می‌برند و نگرانی برای مجازات ندارند. این حقایق داستان آنها را روایت می‌کند:

داده‌های دیوان ثبت جرایم ملی (NCBR) نشان می‌دهد وقوع تجاوز از سال ۱۹۷۱ رشدی بالغ بر ۷۹۱ درصد داشته است. (قتل فقط ۲۴۰ درصد، دزدی ۱۸۷ درصد و آدم‌ربائی ۶۳۰ درصد افزایش یافته است).

و میزان محکومیت برای جرایم تجاوز از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۰ نزول پیدا کرده است. همچنین میزان محکومیت برای سایر جرایم علیه زنان، مثل خشونت همسر و فامیل، قاچاق، مزاحمت، آزار جنسی، و آدم‌ربائی، در سطح بسیار پائینی است، چرا که نیروی پولیس، بیمارستان‌ها و دادگاه‌ها نگاهی خصومت‌آمیز و تبعیض‌آمیز نسبت به زنان دارند.

به خاطر داشته باشید این درصد محکومیت (۲۶ درصد)، برای مواردی است که FIR^[۷] بایگانی کرده است. در میان جرم‌هایی که گزارش نمی‌شوند، بیشترین آمار مربوط به تجاوز است: مطالعات نشان می‌دهد به ازای هرتجاوزی که گزارش شده ۵۰ مورد گزارش نشده وجود دارد. در صد ها تجاوز، پولیس به‌سادگی از ضبط گزارش اولیه سر باز می‌زد، یا با تضعیف روحیه شاکیان کاری کرده که آنها از شکایت خود صرف‌نظر کنند.

وقتی روزها باید کلنجار رفت تا یک FIR را ثبت نمود، می‌توان تصور کرد که هیچ ضرورتی در اهمیت جمع‌آوری مدارک قانونی دادگاه وجود ندارد.

آزمایش‌های پزشکی در بیمارستان یک کار شاق دیگر است. برای پزشکان، انجام «آزمایش دو انگشت» بسیار رایج است: داخل کردن دو انگشت در واژن زن‌ها برای اثبات این‌که آنها «معتاد به عمل جنسی» هستند یا نه. با وجود این‌که دادگاه عالی علیه این عمل دستور صادر کرده و تأکید نموده بود که فعالیت جنسی گذشته شخص قربانی چیزی را نشان نمی‌دهد، هنوز این آزمایش در دادگاه‌های سطوح پائین‌تر اعتبار دارد.

طولانی بودن روال دادرسی قضائی – گاهی طی چندین سال- به متجاوزان شانس بیشتری می‌داد که بر روی شاکیان و شاهدان فشار اعمال کنند. این تأخیر، اغلب باعث از پای درآمدن شاکیان و پذیرش شکست آنها می‌شد. هنگام فرارسیدن موعد دادگاه، جریان محاکمه برای شاکی بسیار سخت بود؛ چراکه در معرض سؤال‌های تحقیرآمیز و آزاردهنده‌ای قرار می‌گرفت.

دادگاه‌ها به‌عنوان مکان‌هایی شناخته شده بودند که در آنجا دادرسی‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی گوناگون در پرونده‌های تجاوز صورت می‌گرفت. حتا اگر خود قاضی در جایگاه قضاوت دلسوز و حساس باشد، عمل‌کرد بد پولیس و مراحل پیگرد قانونی با هم ترکیب می‌شوند تا از یک محکومیت جلوگیری کنند.

دشمن خودی

در خشم ملی علیه تجاوز، بسیار ساده است که فکر کنیم تجاوزکاران «بیگانگانی» هستند که می‌توانند نابود شوند. متجاوزان در ۹۰ درصد موارد، پدران، برادران، عموها و دایی‌ها و همسایه‌ها هستند. کسانی که قربانیان آنها را می‌شناسند، به آنها اعتماد دارند و از آنان انتظار احترام دارند.

با استناد به گزارش NCRB در سال ۲۰۱۱، از میان بیش از ۲۲۴۵۹ (۹۴.۲ درصد) قربانی شناخته شده (همه موارد گزارش شده در سال ۲۰۱۱ در هند)، «والدین و اعضای فامیل نزدیک ۱.۲ درصد از این موارد (۲۶۷) از ۲۲۵۴۹ مورد، همسایه‌ها ۳۴.۷ درصد موارد را شامل می‌شدند (۷۸۳۵ از ۲۲۵۴۹ مورد) و خویشاوندان ۶.۹ درصد (۷۸۳۵)

از ۲۲۵۴۹ مورد)». به عبارت دیگر تجاوزکنندگان از باقی جامعه به وسیله یک حصار منزله کننده جدا نشده‌اند. آن‌ها تجاوزکار به دنیا نمی‌آیند بلکه در جامعه‌ای شکل گرفته‌اند که زنان را تحقیر می‌کند و به انقیاد می‌کشاند. پس بهترین پیش‌گیری برای خشونت جنسی و سایر اشکال خشونت علیه زنان (جنایات «ناموسی»، سقط جنین برحسب جنسیت، خشونت خانگی، خشونت جنسی و خشونت برای جهیزیه [۴]) آن چیزی است که جنبش زنان دنبال می‌کند. یعنی به نبرد فراخواندن گرایش‌های مردسالارانه و انقیاد زنان، دفاع از آزادی بدون محدودیت زنان و مطالبه برابری کامل برای زنان. مشکل این‌جاست که به رغم تلاش‌های فعالان جنبش زنان، دولت‌ها، احزاب سیاسی حاکم و سازمان‌ها و تشکیلات ایالتی کماکان از دشمنان مبارزات جنبش زنان محسوب می‌شوند. در عوض، جنبش زنان در برابر قدرت مردسالاری در هر زمینه‌ای ایستادگی کرد. ما نمی‌توانیم به جنایت‌کاران خشونت جنسی اجازه دهیم تا از ترس مجازات در امان باشند. ما باید بی‌درنگ در این مسیر قدم برداریم.

بیانید خواهان تغییر در همه سطوح سیستم شویم:

قوانین حساس جنسیتی، مجازات سریع و محکم: تشکیل یک بخش ویژه در پارلمان برای تصویب قوانین فراگیر علیه خشونت جنسی (شامل قوانین تجاوز در رابطه زناشویی و تجاوز نیروهای امنیتی و پولیس، آزار جنسی و جنایات ناموسی) در هم‌فکری و مشورت با جنبش زنان.

دادگاه‌ها و قضات: دادگاه‌ها برای موارد خشونت جنسی (نه فقط تجاوز، بلکه اذیت و آزار جنسی) به سرعت تشکیل شوند و رأی هیأت منصفه طی سه ماه اعلام گردد. هر قاضی که اظهارنامه‌ای را تهیه می‌کند یا رأی را به تصویب می‌رساند که هر گونه خشونت جنسی علیه زنان را توجیه می‌نماید و علیه برابری جنسیتی است باید از روند دادرسی خارج شود. **پولیس:** واحدهای آموزشی حساس‌سازی جنسیتی در همه ایستگاه‌های پولیس تشکیل شود که شامل روندی ساختاری و آموزشی برای طرز برخورد با قربانیان تجاوز باشد. زیرساخت‌های مناسب و مجموعه قوانین رسیدگی به تجاوز، در همه مراکز پولیس موجود باشد. اقدام‌های تنبیهی در صورت کوتاهی در رسیدگی به موارد آزار یا خشونت جنسی تصویب و اجراء شود.

بیمارستان‌ها: یک اتاق جداگانه برای مراقبت‌های پزشکی و روان‌شناسی برای قربانیان تجاوز تعبیه شود و زیرساخت‌های مناسب برای بررسی و رسیدگی پزشکی قانونی در بیمارستان به‌وجود آید.

حمایت: حمایت‌های اقتصادی، روان‌شناسی، قانونی، پزشکی و اجتماعی با هزینه دولتی برای قربانیان تجاوز.

پیش‌گیری و آموزش: برابری جنسیتی باید به‌عنوان یک بخش ضروری در برنامه آموزشی مدارس گنجانده شود و این‌کار با هم‌فکری ملی با فعالان جنبش زنان صورت پذیرد. هدف باید به مبارزه علیه تنفر از زنان، دیدگاه‌های مردسالارانه و دشمنی علیه آزادی و حقوق زنان باشد.

وقتی که به‌جای محکومیت مجرم، رد دادرسی علیه جرایم تجاوز، به‌صورت یک امر عادی درآمده است، جای تعجب است که زنان شجاعی جهت اقدام برای آزادی زنان از جان خود هم گذشته‌اند.

«کیرانجیت آهلوالیا»، یک هندی تبعید شده که در بریتانیا زندگی می‌کند شوهر خود را که عادت به کتک زدن داشت به آتش کشید. چند سال پیش، زنان ساکن یک محله زاغه نشین در ناگپور یک تجاوزکار زنجیره‌ای را در اتاق دادگاه کشتند. یک معلم مدرسه به نام «روپام پاتاک» در «بهار» یک نماینده مجلس و عضو حزب BJP را به قصد مرگ چاقو زد. این اتفاق پس از این افتاد که پولیس هیچ عملی به خاطر تجاوز به «روپام» انجام نداد.

طعنه‌آمیز است که رهبر BJP، «سیمریتی ایرانی» اظهار کرد که کاش «روپام» تجاوزکار را بدون توجه به قانون با گلوله هدف قرار می‌داد، درحالی‌که خود رهبر حزب روپام او را به‌عنوان فردی هرزه و فاسد خطاب کرد و به لطف دولتی‌های NDA، روپام در یک محاکمه سریع به حبس ابد محکوم شد و جریان رسیدگی پرونده تجاوز به او ناتمام

ماند! مشکل اصلی این است که تجاوزگران به لطف میزان پائین محکومیت، هیچ ترسی از مجازات ندارند و همچنین در شرایط فعلی بعید است که مجازات اعدام وضع شود تا بتواند عامل بازدارنده‌ای برای امر تجاوز باشد. تجاوز یک روش مردسالارانه برای مجازات موجودیت زنان در برابر مطالبات برابری خواهانه و آزادیخواهانه آنان است و می‌خواهد استیلای مردانه را اثبات کند. تجاوزکاران میل به زن‌ها ندارند بلکه از آنان متنفرند و از آزادی آنان ترس دارند.

مردم عادی باید به خیابان‌ها هجوم آورند و عدالت و اعمال محکومیت برای خشونت جنسی را خواهان شوند. بیائید فریاد اعتراض سردهیم: از حقوق زنان بی‌هیچ هراسی دفاع کنیم! مجازات سریع و قاطع برای متجاوزین طلب کنیم! بجنگیم و در نبرد برای جایگاه برابر زنان پیروز شویم!

منبع:

<http://links.org.au/node/3158>

[۱] اعضای مرد شورای محلی روستای «توپمانی» در این ایالت، اعلام کردند: زنان ازدواج نکرده این روستا در صورتی که خارج از منازل خود با موبایل دیده شوند، ۲۰۰ دالر جریمه خواهند شد. طبق تصمیم این اعضاء، زنان شوهردار نیز در این شرایط ۴۰ دالر جریمه می‌شوند. روستاهای دیگری نیز در هند چنین محدودیت‌هایی را اعمال نموده‌اند.

[۲] یکی از نیروهای شبه نظامی در هند. این نیرو در ابتداء یک نیروی شبه‌نظامی پولیس به نام Cachar Levy بود که زیر نظر بریتانیا در سال ۱۸۳۵ تشکیل شد. هم اکنون Assam Rifles ۴۶ گردان دارد و تحت کنترل وزارت امور داخله است.

[۳] اولین اطلاعات گزارش شده

[۴] در سال‌های اخیر پرداخت جهیزیه، شاهی بر تغییرات جدی در جنوب هند بوده است. جهیزیه به عنوان یک نماد در همه کاست‌ها/طبقات اجتماعی در آمده است و میانگین پرداخت آن افزایش یافته است. این تغییرات با پیامدهای منفی در زندگی زنان همراه شده است. از جمله در بقای خود زنان. با وجود این نتایج پرداخت جهیزیه هم چنان ادامه دارد.